

زن در فرهنگ و هنر، دوره 3، شماره 2، زمستان 1390: 39-56

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه مال¹، سازه پرتابل ایل

عبدالحمید پاپزن*، نشمیل افشارزاده**

چکیده: سیاهچادرهای عشایری نماد طراحی درون‌زا برای معیشتی پایدار و استفاده‌ای بهینه از ظرفیت‌های بوم‌آورد برای دستیابی به اهداف الگوی زیستی کارآمد کوچندگی است. این معماری اصیل و این ابتکار قومی، به مثابه بخشی از میراث معنوی ایل‌ها و عشایر شایسته ثبت و نگاهداری است، اما متأسفانه این سازه اصیل و دانش مرتبط با آن در معرض تهدید جدی است. پژوهش حاضر که با هدف مستندسازی دانش بومی زنان عشایر کوچنده ایل کلهر در زمینه سکونت‌گاه‌های عشایری است در راستای ثبت و نگاهداری این میراث، طی مطالعه‌ای که دارای رویکرد کیفی بود، با استفاده از تکنیک گروه‌های متمرکز و روش ارزیابی مشارکتی روستایی در فصل بهار در میان‌بند ایل مذکور، حوزه جغرافیایی شهرستان گیلان غرب در استان کرمانشاه، به اجرا درآمد. نتایج با استفاده از تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر اساس طبیعت تحقیق کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد سکونت‌گاه‌های عشایر به سیه‌مال و کولا² قابل تقسیم‌اند که سیاه‌چادر خود دارای تقسیم‌بندی فضای داخلی به «لا ژنان»³، «دیواخان»⁴ و... است و فضای خارجی به «په چیه» و «کولانه» است که شرح آن به تفصیل در پی می‌آید.

واژه‌های کلیدی: ایل کلهر، سازه پرتابل، عشایر، تحقیق کیفی، زنان.

¹.Seyamal

hamidpapzan@razi.ac.ir

nashmilafsharzade@yahoo.com

².Kula

³.Lazhenan

⁴.Diwakhan

* دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی

** دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: 1389/07/11 تاریخ پذیرش: 1390/08/09

مقدمه و طرح مسئله

زندگی کوچندگی اصولاً مترادف با چادرنشینی است. مسکن در این نوع زندگی بنا به ضرورت شیوه تولید و محیط جغرافیایی در همسازی کامل با محیط انتخاب می‌شود، این نوع سکونت‌گاه‌ها که دارای معماری اصیل و ابتکاری هم‌نوا با الگوی زیست‌کوچندگی است به عنوان یک طرح عملی قرن‌هاست که کوچندگان را در پناه خود حفظ می‌کنند. در ایل کلهر نیز طراحی نیاکان ایل منجر به تولید سکونت‌گاهی با قابلیت حمل و نقل و برپایی و برچیدن بسیار راحت موسوم به «سیه مال» شده که به عنوان یک معماری بومی پذیرفته شده است. سیاه چادر به شکلی هوشمندانه طراحی شده که استفاده کامل از ظرفیت‌های موجود در محیط را به همراه دارد، علی‌رغم تمام ویژگی‌های منحصر به فردش، که آن را در هم‌نوایی با این الگوی زیستی قرار می‌دهد و به عنوان بخشی از میراث معنوی هر قوم دارای آن محسوب می‌گردد در معرض تهدید جدی است، همین امر ضرورت مستندسازی دانش بومی مرتبط با آن را به عنوان یک سازه بومی و ابتکار قومی که تفکری کاملاً خردگرایانه با آن همراه است، نشان می‌دهد. از آنجا که اساساً دانش فنی بومی زنان گنجه‌ای از ثروت معنوی و تجربه است و زنان عشایر کلهر نیز به عنوان بافندگان پوشش اصلی و هم‌چنین مشارکت‌کنندگان فعال در برپایی و جمع کردن سیاه چادر مطرح هستند، مطالعه حاضر به منظور شناسایی دانش این زنان در زمینه اجزاء مختلف سازه مذکور و قسمت‌های داخلی و خارجی آن در میان زنان عشایر ایل کلهر انجام پذیرفته است. سؤال‌های اصلی که توسط تیم تحقیق متشکل از متخصصین توسعه روستایی که یکی از آنان خود از زنان عشایر کلهر بود، در میان‌بند ایل مذکور در فصل بهار با زنان عشایر در میان نهاده شد. این پرسش‌ها عبارت بودند از: 1- سکونت‌گاه‌ها شامل چند نوع هستند؟ 2 - چه اجزایی تشکیل‌دهنده سیاه چادرند؟ 3- قسمت‌های داخلی و خارجی سیاه چادر شامل چه بخش‌هایی هستند؟ 4 - چه عواملی در انتخاب محل استقرار سیاه چادر مؤثرند؟

مروری بر ادبیات

زندگی کوچندگان اصولاً مترادف با چادرنشینی است (پاپزن و همکاران، 1387). بنا به روایت تاریخ، انسان کوچنده از نو مادهای اولیه تاکنون، مسکن قابل حمل را برگزیده است (افشارزاده و پاپزن، 1387). چادرهای ساخته شده از موی سیاه بز به طور عمده در ترکیه و خاورمیانه دیده می‌شود و فضای ایده‌آلی برای زندگی ایجاد می‌کنند (پیترز، 2003). سیاه چادر نمود هنر معماری عشایر است هم به لحاظ ساختاری و هم از این منظر که در سازگاری با شرایط محیطی طراحی شده است (کوان، 2002). چادرها به این دلیل

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 41

ساخته شدند که به سرعت در یک محل برپا می‌شوند، جمع می‌شوند و به محل جدید انتقال می‌یابند (بدوین سایت).

کمپ‌های قبایل عرب بدوی به منظور اجتناب از تابش مستقیم خورشید در جهت شرقی- غربی برافراشته شده‌اند. به طور سنتی چادرها به سه بخش تقسیم می‌شوند: قسمت مردانه، قسمت خانوادگی و آشپزخانه. در قسمت مردانه از میهمانان پذیرایی می‌شود و در واقع محل زندگی اجتماعی بدوی‌هاست. چادرها از موی بز و گوسفند تهیه می‌شوند و اندازه آن‌ها به اهمیت صاحب‌شان و تعداد افراد خانواده بر می‌گردد. از یک پرده روشن تزئین شده موسوم به قاطا⁵ برای تقسیم چادر به زنانه و مردانه استفاده می‌شود (همان). درون چادرهای کردان (منطقه کردستان) به وسیله تجیر (نوعی حصیر) به اتاق‌هایی تقسیم می‌شوند همیشه یکی از اتاق‌ها به زنان اختصاص دارد و اتاقی هم مخصوص رئیس خانواده است. بقیه قسمت‌ها پر است از فرش، بالش، لوازم خانه، ظروف آشپزخانه، مشک‌های کره‌زنی و هر چیز دیگری که در زندگی چادرنشینی لازم است (طیبی، 1380 به نقل از نیکتین).

ایلات عرب در شمال مراکش به منظور بافت نوارهایی که پوشش سیاه چادر را تشکیل می‌دهند از الیافی که به دور ریشه گیاهی به نام برآوق پیچیده است استفاده می‌کنند. این گیاه نوعی گیاه سریش⁶ است که از تیره سوسنی‌ها می‌باشد (فیلبرگ، 1372).

چادرهای ایلی قشقایی را که «بوهون» خوانده می‌شود، از موی بز و به رنگ سیاه می‌بافند. این چادرها به شکل مستطیل است و از چند بخش گوناگون: سقف، لتهای اطراف چادر، تیرک‌ها، چند قطعه «کُجج» یا «کُمجّه»، بندها، میخ‌های بلند چوبی، میخ‌های کوچک چوبی که به نام «شیش» خوانده می‌شود و لفاف یا «چیق» یا «تی چی» اطراف چادر تشکیل شده است (ایراس، 1385). شکل چادر قشقایی در تابستان و زمستان فرق می‌کند. در زمستان بیشتر تیرک‌ها در میان و سراسر چادر قرار می‌گیرند و سقف را به شکل مخروطی درمی‌آورند تا هنگام ریزش باران، آب از لبه سقف به زمین بریزد. پیرامون چادر نیز جوی کوچکی حفر می‌کنند که آب باران در آن جاری می‌شود ولی در تابستان و بهار تیرک‌ها را در اطراف چادر قرار می‌دهند تا سقف صاف و هموار باشد. در تابستان چادر تنها در بخشی که اسباب خانه و رختخواب‌ها قرار می‌گیرد دیوار دارد. در زمستان و پایان پاییز سه طرف چادرها با لثف پوشیده می‌شود و تنها راه ورود و خروج، یک ضلع

⁵. Qata

⁶.Asphodelos

پهنای چادر است. «نی چی» یا «چیق» حصیری است از نی که از درون، دور تا دور بخش پایین چادر گذاشته شود تا چادر، از دید خارج، باران و سرما محفوظ بماند (کسبیان، 1341).

سیاه چادر طرحی عملی که قرن هاست کوچندگان را در پناه خود حفظ می‌کند و نشان از امکان‌سنجی و واقع‌نگری غیر قابل‌انکار عشایر دارد امروز آهسته آهسته جای خود را به چادرهای برزنتی می‌دهد (پاپ‌زن و افشارزاده، 1388 و 1389؛ امینی، 1384).

روش تحقیق

این مطالعه با رویکردی کیفی⁷ و از لحاظ پارادایمیک طبیعت‌گرایانه⁸ انجام پذیرفته است و برای اجرای آن از تکنیک‌های گروه‌های متمرکز⁹، و برخی تکنیک‌های PRA نظیر بحث گروهی، نقشه‌کشی و قدم زدن استفاده شده است.

متناسب با طبیعت تحقیقات کیفی در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند¹⁰ استفاده شده است. در نمونه‌گیری‌های هدفمند، اصولاً هدف انتخاب مواردی است که با توجه به موضوع تحقیق اطلاعات زیادی¹¹ داشته باشند. در این پروژه نیز با همین هدف از نمونه‌گیری هدفمند و از روش زنجیره‌ای¹² استفاده گردید. به این معنی که به منظور آشنایی با مطلعین کلیدی¹³ به اداره امور عشایری شهرستان گیلان غرب مراجعه گردید، تعدادی از خبرگان محلی زن توسط این اداره معرفی شدند، با مراجعه به این افراد هرکدام چند مطلع دیگر را معرفی کردند، افرادی که بیشترین رفرنس به آن‌ها داده شده بود، به عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع¹⁴ ادامه یافت و جمع‌آوری داده‌ها به کمک این افراد انجام پذیرفت. خبرگان عمدتاً از زنان تیره‌های شیرزادی و اردشیری (بزرگ‌ترین تیره‌های کوچ‌رو ایل) بودند. استفاده از همکاری زنان عشایر کوچنده طایفه سیاه‌سیاه موجب چندسوی‌نگری¹⁵ در جمع‌آوری داده‌ها گردید.

7. Qualitative Research

8. Naturalistic Approach

9. Focus Group

10. Purposed Sampling

11. Information-rich

12. Chain sampling

13. key informant

14. Saturation

15. Tri angulation

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 43

زنان عشایر کوچ‌رو ایل کلهر که زیست‌بوم‌شان در محدوده شهرستان گیلان غرب قرار گرفته بود، جامعه مورد نظر این پژوهش را تشکیل داده‌اند. زمان اجرای پروژه فصل بهار و مکان آن میان بند تیره‌های مورد مصاحبه اردشیری، شیرزادی و طایفه سیه‌سیاه به ترتیب در قلاج، قلاج و میاندار شهرستان گیلان غرب بود.

ایل کلهر: زیست بوم ایل کلهر، بزرگ‌ترین ایل کرد، هر چند دارای پراکندگی و گستردگی قابل ملاحظه‌ای است، اما محدوده آن در استان کرمانشاه با 459756/5 هکتار وسعت در غرب و جنوب غرب این استان قرار گرفته است (امور عشایری، 1378). در زمینه ساخت ایلی ایل کلهر، به هیچ عنوان بین محققین اتفاق نظر وجود ندارد طبق بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش به نظر می‌رسد نظام زیر مقرون به صحت باشد: 1- ایل، 2- طایفه، 3- تیره، 4- بنه مال¹⁶ (خاندان)، 5- مال (خانواده).

طوایف ایل شامل خالدی، سیه‌سیاه، کله پا، منیسی، منصور، گیلانی، ورمزیار و دیره، قلعه شاهینی و قوچمی هستند.

مسیر کوچ و ایل راه‌های عشایر کلهر شهرستان گیلان غرب به شرح زیر است:

- 1- ماهیدشت، اسلام آبادغرب، گاور، قلاج، گیلان غرب، ویزنان، سومار و بالعکس؛
- 2- اسلام آبادغرب، تنگ اسماعیل‌بگ، دربند استخوان، پادگان ابودر، پشته حاجیان، گمه کبود و بالعکس؛
- 3- اسلام آبادغرب، تنگ اسماعیل‌بگ، دربند استخوان، پادگان ابودر، حومه قصرشیرین و بالعکس؛
- 4- اسلام آبادغرب، گاور، کفرآور، پادگان ابودر، دشت دیره و بالعکس؛
- 5- حومه اسلام آباد غرب، گاور، گیلان غرب، گور سفید، شکمیدان و بالعکس؛
- 6- اسلام آباد غرب، گاور، گیلان غرب، گور سفید، نفتولک، برپلنگ، قاسم‌بان و بالعکس (امور عشایری، 1387).

بنا به آمار امور عشایری گیلان غرب جامعه عشایری این شهر، شامل 1150 خانوار با جمعیت تقریبی 5500 نفر است. تعداد کل خانوارهای عشایری تیره اردشیری 173 خانوار شامل 141 خانوار کوچ‌رو، 6 خانوار نیمه کوچ‌رو، 12 خانوار رمه‌گردان و 14 خانوار ساکن است. تعداد کل خانوارهای عشایری تیره شیرزادی 113 خانوار شامل 65 خانوار کوچ‌رو، 7 خانوار نیمه کوچ‌رو، 15 خانوار رمه‌گردان و 26 خانوار ساکن است. میانگین تعداد دام خانوارهای عشایری ایل 150 رأس دام می‌باشد.

¹⁶. Bena mal

مناطق ییلاقی تیره اردشیری عبارتند از: چشمه جادر، چشمه سفید، چشمه جهانشاه، چشمه سنگی، داربید و عزیز مراد و منطقه‌ی قشلاقی آنان زه له زه رد و میانبند قلاجه است.

مناطق ییلاقی تیره شیرزادی عبارتند از: چشمه حاجگه، باقره و سرمست و منطقه قشلاقی این تیره شامل سرحال، سنگ کرمو، چشمه مورینه و تقی چله و میانبند قلاجه می‌باشد (همان، 1382).

تعداد خانوارهای عشایری این شهرستان در ییلاق 1246 خانوار با جمعیت 7195 و در قشلاق 1650 خانوار با جمعیت 9244 است (همان، 1387).

در مجموع به منظور انجام این پژوهش 3 گروه متمرکز 6 و 7 نفره از زنان عشایر تشکیل و با 19 نفر این تکنیک به اجرا در آمد. زمان تقریبی انجام هر گروه متمرکز بین 60 تا 90 دقیقه بود. دو بحث گروهی نیز با 8 زن خبره انجام پذیرفت هر کدام تقریباً 70 تا 80 دقیقه به طول انجامید. نقشه‌کشی با مشارکت 7 خبره عشایر به منظور شناسایی اجزا و فضاهای سیاه چادر به انجام رسید و قدم زدن نیز با همراهی 5 زن خبره عشایر به منظور سه‌سوسازی و اطمینان از صحت یافته‌ها انجام پذیرفت. برای آنالیز داده‌های حاصل از بحث‌های گروهی و گروه‌های متمرکز، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این معنا که بعد از پیاده کردن نوار و مطالعه کلی مباحث مطروحه، بحث در حیطه‌های مختلف مقوله‌بندی شده و داده‌های مربوط به آن در همان ستون قرار گرفت.

نتایج

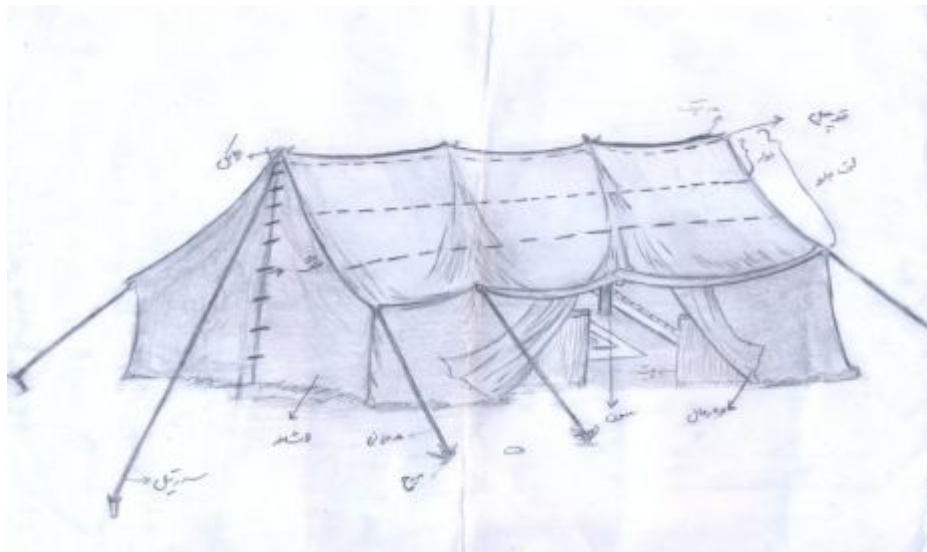
سکونت‌گاه سنتی عشایر ایل کلهر، موسوم به «سیه مال» در «میلکان»¹⁷ استقرار می‌یابد. «میلکان» مکانی است که به صورت عرفی متعلق به تیره‌هاست، در هر «میلکان» معمولاً 2 تا 6 «مال» (خانوار) مستقر می‌شوند، اما به ندرت «مال»¹⁸ هایی نیز دیده می‌شوند، که به صورت انفرادی «میلکان» می‌کنند. برای انتخاب مکان «میلکان» مسائلی چون قرار گرفتن در نقاط بلند و هموار، قرار نگرفتن در مسیر بادهای مزاحم «زله لان»¹⁹ (بادهای که از سمت جنوب شرق می‌وزند) و «شه مال»²⁰ (بادهایی که از سمت غرب می‌وزند) در نظر گرفته می‌شود.

17. Milkan

18. Mal

19. Zalan

20. Shamal



عشایر کلهر سیاه چادرهای خود را به صورت «وه رمال»²¹ (مال جلو) - «پشت مال»²² (مال پشت) برپا می‌کنند. «وه رمال»، «گورامال»²³ (مال بزرگ) است، «مال»²⁴ (خانواده‌ای) که نفوذ، تجربه، دام و مرتعش از سایر «مال» ها بیشتر است. «پشت مال» هم، «هورده مال»²⁵ های، (خانواده‌های کوچک) که به او وابستگی نسبی یا کاری دارند. «وه رمال» و «پشت مال» هایش «قورنگ»²⁶ را تشکیل می‌دادند. قورنگ معمولاً در بیلاق دیده می‌شود و دلیل آن به استفاده گله از «جار»²⁷ (پس چر غلات) برمی‌گردد، که امکان شکل «مال» ها را می‌دهد. در منطقه قشلاقی، اما از آن جا که هر «مال» در آن قسمتی از مرتع استقرار می‌یابد، که قرق اوست، وضع چنین نیست و «مال» ها به صورت پراکنده دیده می‌شوند.

21. Warmal
22. Pesht mal
23. Guramal
24. mal
25. hurda mal
26. Qoreng
27. jar

عشایر به «میلکان» بسیار اعتقاد دارند، به این معنی که چنانچه اتفاق ناخوشایندی در «میلکان» خاصی برایشان پیش آید دیگر به آنجا باز نمی‌گردند، چون بر این باورند که آنجا خوش‌یمن نبوده است. شدیدترین نفرین‌ها نیز متوجه همین مکان است و این خود نشان از اهمیت «میلکان» در میان عشایر دارد.

«سیه‌مال»؛ سکونت‌گاه سنتی عشایر کلهر

«سیه‌مال» دارای پوشش، برپاکننده و نگهدارنده‌هایی به شرح زیر است:

پوشش سیاه چادر²⁸

«دوار»²⁹: هر سیاه چادر از 8 تا حداکثر 11 تخته نوار اصلی موسوم به «دوار» تشکیل شده است. طول هر تخته «دوار» حداکثر 15-16 متر و عرض آن 75-80 سانتی‌متر است. «دوار» در ابتدای بارش باران به اصطلاح عشایر «رنگه ده‌ی»³⁰ به عبارتی ترشحات آب باران را به داخل راه می‌دهد، اما بعد از خیس شدن «رنگه» کاملاً قطع می‌شود.

به مجموع 3-5 تخته «دوار»، «له ت»³¹ گفته می‌شود، هر «مال» (سیاه چادر) به منظور سهولت حمل و نقل، بر پا کردن و جمع کردن از دو «له ته مال» تشکیل شده است، «له ت» جلو و «له ت» پشت. «له ت» جلو از «له ت» پشت یک «دوار» بیشتر دارد. قسمت‌های انتهایی «له ته مال»ها که از دو طرف سیاه چادر آویزان می‌شوند به وسیله «سنگ»³² (نوعی میخ چوبی از جنس آلبالوی وحشی) به هم وصل می‌شوند که به آن‌ها «لا شاخه»³³ گفته می‌شود، «لا شاخه»ها به منظور تهویه سیاه چادر بالا زده می‌شوند و در ایام پنجه³⁴ (پنج روز اول نوروز که برای کلهرها مقدس است و آن را متعلق به حضرت فاطمه (س) می‌دانند) به وسیله خمیرهایی که به شکل ماه، ستاره و... است، متبرک می‌شوند.

²⁸. تمامی قسمت‌های مختلف پوشش سیاه چادر در تصویر ابتدایی نشان داده شده است.

²⁹. Duwar

³⁰. renga day

³¹. lat

³². seng

³³. Lashakha

³⁴. panja

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 47

«قوچیل»³⁵: «قوچیل»ها دو دوار باریک به عرض تقریبی حداکثر 25-20 سانتی‌متر هستند، که از آن‌ها جهت اتصال دو «له ته مال» استفاده می‌شود. معمولاً قفل‌هایی از مو برای آن‌ها ساخته می‌شود که با «هه چولک»³⁶ -قطعه چوب‌های به شکل زیر و با طول حدوداً 20-15 سانتی‌متر که در قاعده دارای سوراخی است - به هم وصل می‌شوند.



هه چولک

«وه ر مال»: «دوار»های فرسوده‌ای که به وسیله «دوار»های جدید جایگزین می‌شوند، معمولاً به عنوان «وه ر مال» مورد استفاده قرار می‌گیرند، «وه ر مال» «دوار»ی است که به اولین «دوار» «له ت» جلو به منظور محافظت از سرما، گرما و گرد و خاک متصل می‌شود.

برپاکننده‌ها و نگهدارنده‌ها:

«سون»³⁷: «سون»ها ستون‌های اصلی هستند که برای برپا کردن سیاه چادر در محل اتصال دو «له ته مال» مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ستون‌ها دارای زبانه‌ای در قسمت بالا هستند که در داخل شیار «کوماچ»³⁸ - قطعات چوبی مستطیل شکل در رأس سیاه چادر - قرار می‌گیرد، «سون»ها به منظور سهولت حمل و نقل و هم اندازه شدن با طول بدن حیوانات باری (در گذشته) از دو قسمت نر- ماده تشکیل شده‌اند که در محل اتصال آن‌ها به یک‌دیگر سوراخی با استفاده از سیخ داغ ایجاد می‌شود و به وسیله کمر بندمانندی از موی بز و به اندازه قطر «سون» به یک‌دیگر محکم نگه داشته شده‌اند. تعداد «سون»ها بین 3-5 عدد است و مستقیماً با منزلت اجتماعی خانوار در ارتباط است. «گورا مال»ها از سیاه چادرهایی پنج «سون» استفاده می‌کنند. از آن‌جا که «سون» اصلی‌ترین برپاکننده است گاه با سخت‌ترین نفرین‌ها، نواخته می‌شود.

35. Quchil

36. Hachoollek

37. Suwn

38. Komach



کوماچ



سون

«چه له»³⁹: ستون‌هایی که در انتها V شکل شده و در زیر «هه می نی»⁴⁰ - رسن و قندیل‌های به طول 2-3 متر که از جلو و عقب سیاه چادر را مهارکننده می‌کند. «هه می نی» جلو بلندتر از پشت است - قرار می‌گیرد. از آن‌ها به منظور فرم دادن به قسمت جلوی سیاه چادر و بلند کردن آن به منظور سهولت رفت و آمد و نیز کاهش فشار بر «چیت»‌های دور و بر چادر استفاده می‌شود. افزاشته بودن «چه له»‌ها و بالا بودن «بوه ر مال» نشانه تمایل به پذیرش مهمان و پایین بودن آن نیز علامت نبودن در منزل، استراحت یا عدم تمایل به پذیرش مهمان است.

«چه له»‌ها در هنگام وزش باد شدید و طوفان برداشته می‌شوند. مهمترین اقدام به منظور افزایش مقاومت سیاه چادر در مقابل طوفان داوه سان⁴¹ سیاه چادر است که شامل مهار آن با که شی⁴² (نوعی تسمه پهن) است که در وسط سیاه چادر قرار می‌گیرد و با تیل⁴³ (نوعی میخ) به زمین محکم می‌شود. در چنین مواقعی «بوه ر مال»‌ها پایین آورده می‌شود و اطراف سیاه چادر، محکم و کیپ می‌شود تا باد از زیر سیاه چادر را بلند نکند.

³⁹.Chala

⁴⁰.Hameney

⁴¹. Dawasan

⁴². kashey

⁴³.Teyla

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 49



چه له



هه می نی

«میخ خ»⁴⁴: میخی چوبی از جنس درخت بلوط که قطر آن 10-15 سانتی‌متر و طول آن حدوداً 50 سانتی‌متر است. انتهای آن به منظور فرو رفتن در زمین تراشیده و تیز شده و ریسمان و طناب‌های مهار کننده سیاه چادر به آن وصل می‌شوند.



«چاکل»⁴⁵: قطعه چوبی V شکل به ارتفاع تقریبی 25 سانتی‌متر که یک شاخه آن به رسن یا طناب وصل شده و طرف دیگر آن به منظور محکم کردن سیاه چادر به قفل گوشه‌های آن وصل می‌شود (در تصویر کلی سیاه چادر به محل آن اشاره شده است).



«سه ر تیل»⁴⁶: دو «که شی» یا تسمه پهن اصلی که «له ته مال»ها را محکم به «میخ خ»ها وصل می‌کند.

44. Meiax

45. Chakel

46. Sartil



«تی لا»: نوعی میخ که همانند «میخ خ» از درختان بلوط که به فراوانی در منطقه وجود دارند ساخته می‌شود. طول تقریبی آن 1/5 متر و قطر آن نیز 10-15 سانتی‌متر است و به منظور مهار چیت در پشت آن و به فواصل تقریباً یک متری قرار می‌گیرد.



قسمت‌های داخلی سیاه چادر

هر سیاه چادر به وسیله چیت‌ها به چندین قسمت تقسیم می‌شود:

«دیواخان»: «دیواخان» قسمت مردانه سیاه چادر و مکان پذیرایی از میهمانان است که به وسیله نم و گلیم‌های خوش نقش و نگار و یا انواع فرش و موکت تزیین شده است.

«لاژنان»: قسمت زنانه سیاه چادر که معمولاً صرف غذا در آن انجام می‌شود.

«جی و پا جی»⁴⁷: اتاق کوچک خواب که فقط در «مال»‌هایی که عروس دارند، دیده می‌شود و از «ته په ک» (چیت تزیینی ایل کلهر) ساخته می‌شود.

«کولین»⁴⁸: محل نگهداری آذوقه عشایر از جمله آرد، روغن و... است.

«کولنان»⁴⁹: نوعی خنک‌کننده که محل نگهداری آب، دوغ، کره و به طور کلی مواد غذایی فسادپذیر عشایر است. برای آماده کردن «کولنان» چهارپایه‌ای چوبی می‌سازند و روی آن چیتی می‌کشند و بر آن انواع مشک‌های شان را قرار می‌دهند. به دلیل عبور هوا از زیر چهارپایه و خیس بودن مشک‌ها فضایی بسیار خنک ایجاد می‌شود. در گذشته به جای این اسکلت چوبی از سنگ استفاده می‌شد.

47. Ji o pajji

48. kolin

49. Kolnan

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 51

«کوز»⁵⁰: به جایگاه نگهداری بره‌ها و بزغاله‌ها و محافظت آنان از سرمای زمستان «کوز» گفته می‌شود. کوز در قسمت‌های گرم چادر ایجاد می‌شود، کف آن از کاه و کزل و سر شاخه‌های بادام وحشی پوشیده می‌شود تا فضولات باعث آلودگی بره‌ها و بزغاله‌ها نشوند و هرچند روز یک‌بار نیز عوض می‌شود. «کوز» بعد از حدوداً یک ماهگی بره‌ها و بزغاله‌ها به بیرون که معمولاً فضای بین دو سیاه چادر است، منتقل می‌شود. این قسمت به دلیل امنیت و دسترسی بیشتر انتخاب می‌شود. بره‌ها و بزغاله‌های تازه به دنیا آمده در «کوز»ی جدا از بزرگ‌ترها نگهداری می‌شوند و گاه برای ایجاد دمای بالاتر آن را با نم‌ یا لحافی کهنه می‌پوشانند تا از «سه‌واله»⁵¹ شدن (سرماخوردگی) نوزادان جلوگیری شود.

قسمت‌های بیرونی سیاه چادر

این قسمت‌ها شامل «په‌چیه»⁵² و «کولانه»⁵³ است که به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود:

«په‌چیه»: «په‌چیه» حصار است ساخته شده از سنگ، سرشاخه‌های درختان و امروزه بیشتر تورهای سیمی و سیم‌های خاردار و محلی برای نگهداری گوسفندان و بزها. «سه‌ر په‌چیه»⁵⁴ نیز ورودی «په‌چیه» و مکانی است که در آن معمولاً آتشی بزرگ برافروخته می‌شود که تا صبح می‌سوزد و «وریای که ر»⁵⁵ (نگهبان) در کنار آن تا روز بیدار است، سر شب نیز معمولاً بزرگان عشایر به آن‌جا آمده و در مورد گذشته، مسائل پیش آمده و مثل‌ها و مثل‌ها برای دیگران صحبت می‌کنند و استادان موسیقی عشایر نظیر «بلورژن»⁵⁶ ها می‌نوازند. «سه‌ر په‌چیه» محل بازی‌های محلی نیز هست. چنان‌چه از خشکه چینی برای ساخت «په‌چیه» استفاده شود، روی آن را با سرشاخه‌هایی نظیر سرشاخه‌های زالزالک، آلبالوی وحشی و یا بادام وحشی که حکم سیم خاردار دارد، استفاده می‌شود.

50 . kooz

51 . Sawala

52 . Pacheya

53 . Kolnan

54 . pacheya Sar

55 . Werykar

56 .Beloorzhan

برای انتخاب مکان «په چیه» نکاتی چون 1- «خوره تاو»⁵⁷ (شمالی) بودن؛ 2- قرار نگرفتن در مسیر بادهای محلی؛ 3- شیب‌دار بودن به منظور هدایت فضولات مایع؛ 4- قرار نگرفتن در مسیر آب راه‌های فصلی؛ 5- آب‌گیر نبودن؛ 6- هموار بودن؛ 7- قرار گرفتن در بلندی‌ها به منظور کمک به نگهبان در کنترل بهتر اطراف مد نظر قرار می‌گیرد، به علاوه سعی می‌شود یک طرف آن به وسیلهٔ صخره‌های بلند و صعب‌العبور یا مانع دیگری که باعث شود که از طرفی احشام نتوانند از آن به سمت طرف مقابل عبور کنند و از طرف دیگر جانور وحشی یا دزد نتواند به «په چیه» نزدیک شود، محصور گردد، ضمن این که ابتدا این مکان «په چیه» است که انتخاب می‌شود و پس از آن مکانی برای «مال» در نظر گرفته می‌شود.

عشایر معتقدند نباید به په چیه آتش وارد کرد، این امر به باورهای آنان دربارهٔ حضور همه جانبه پریان (فرشتگان) در زندگی عشایر بازمی‌گردد. آن‌ها بر این باورند که آتش باعث سوزاندن پری‌ها می‌شود و از این کار باید به شدت احتراز کرد.

«کولانه»: لانه‌هایی کوچک که از آن‌ها برای نگهداری طیور و سگ‌ها استفاده می‌شود. ایل کلهر سیاه چادر زمستانی خود را در «زمگه»⁵⁸، میلکان قشلاقی، برپا می‌کند. در زمگه برای مقابله با سرمای استخوانی گرمسیر به ارتفاع تقریبی 1-1/5 متر و به ضخامت 40-50 سانتی‌متر خشکه چینی انجام می‌شود. گاه برای استحکام بیشتر و نفوذ کمتر سرما لابلای سنگ‌ها سرشاخه‌های زالزالک، آلبالوی وحشی یا بادام وحشی قرار می‌گیرد سپس «دوار»‌ها بر سر دیوار کشیده شده و چیت‌ها در قسمت داخلی آن قرار می‌گیرد و به همان شیوهٔ سیاه چادرهای تابستانی برپا می‌شود. پشت چادر نیز جویی که «پارینک»⁵⁹ خوانده می‌شود، کشیده می‌شود تا از جاری شدن آب به زیر «مال» جلوگیری شود در هر دو سمت «لاژنان» و «دیواخان» سیاه چادرهای تابستانی و زمستانی نیز «کوانی»⁶⁰ (آتشدان) حفر می‌شود.

«کولا»

«کولا» نوعی مسکن تابستانی است، که هم از آن به منظور نگهداری احشام و هم اسکان خانواده‌های عشایری در مناطقی که به علت گرمای بیش از حد هوا امکان استفاده از سیاه چادر نیست، استفاده می‌شود.

⁵⁷ . Xoara taw

⁵⁸ .Zemega

⁵⁹ .Parinek

⁶⁰ . Kowaney

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 53

برای ساختن «کولا» از حداقل 4 و حداکثر 10 «کول»⁶¹ (ستون‌هایی از تنه درختان با قطر متوسط) به منظور ایجاد اسکلت استفاده می‌شود و با گذاشتن تیرهایی از چنار و انداختن خس و خاشاک و برگ درختان آن را مسقف می‌کنند. دور آن با نی یا چیت محصور می‌شود و معمولاً بین نی‌ها و یا روی چیت‌ها شیرین‌بیان گذاشته می‌شود، چرا که هم به ایجاد سایه کمک کند و هم با آب‌پاشی آن و به محض وزش کوچک‌ترین نسیمی همانند کولر عمل کرده و «کولا» را خنک و معطر می‌کند.

نتیجه‌گیری

الگوی زیست‌کوچندگی حاصل انطباق با شرایط اقلیمی سرزمین‌های خشک و سکونت‌گاه‌های عشایری حاصل انطباق با شرایط کوچندگی است. عشایر به تبع نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونت‌گاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در همسازی کامل با شرایط حاکم بر زندگی‌شان است. این سازه‌های پرتابل که طی قرن‌ها به عنوان بهترین و به بیانی مناسب‌ترین سرپناه‌های عشایری مطرح بوده‌اند به دلیل سهولت برافراشتن، برداشتن و همچنین سهولت حمل و نقل آن کاملاً سازگار با این شیوه زندگی هستند. مطالعه حاضر به روشنی نشان می‌دهد «سیه‌مال» مسکنی با حداقل هزینه و به ظاهر پیچیدگی، ولی با کارایی بسیار بالاست. این سازه سنتی سکونت‌گاهی چهارفصل است که با اندک تغییرات، خود با تغییرات فصول هماهنگ می‌گردد و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده است. در این نوع معماری به راحتی می‌توان ویژگی‌هایی هم‌چون خودبسنگی (استفاده از مصالح بوم‌آورد نظیر موی بز، چوب‌های بلوط، زالزاک و...)، ایستایی، پیمون، سادگی و پرهیز از بیهودگی را که از ویژگی‌های اصلی یک بنا محسوب می‌شوند دید. از خصوصیات دیگر این سکونت‌گاه عشایری توجه به پنج عرصه عمومی (ورودی یا پذیرش)، عرصه خصوصی، عرصه مشترک، عرصه خدمات و نگهداری و عرصه ذخیره روزانه است که نشان‌دهنده جامع و کامل بودن این فضای معماری در ضمن کم هزینه بودن آن است. برخی خصوصیات بارز سیاه‌چادر نظیر این‌که: - اجزای آن توسط افراد خانوار تهیه و تولید می‌شود؛ - با توجه به نوع بافت و ساختار آن، در موقع کوچ به آسانی جمع و حمل و نقل می‌شود؛ - مکانی مناسب برای زندگی با حداقل مصالح در اختیار می‌گذارد و متناسب با تغییرات آب و هوای منطقه است، به‌خوبی نوعی از تکنولوژی

⁶¹. Kul

بومی اصیل و ابتکاری را به نمایش می‌گذارد. افزون بر آن استحکام چادر زیاد است و سال‌ها دوام دارد. موی بز بکار گرفته شده در بافت آن بدون نیاز به رنگ‌رزی برای سال‌ها دارای رنگ ثابت است. سیستم گرمایشی - سرمایشی و تهویه آن به نحو جالب و ساده‌ای به وسیله خاصیت انبساط و انقباض ویژه موی بز تأمین می‌گردد. موی بز بر خلاف بقیه مواد در گرما منقبض و در سرما و بارش منبسط می‌شود و این به کاربرد ممتاز آن در سیاه چادر کمک می‌کند تا در تابستان منافذ سیاه چادر باز شده و شبکه‌های درشت غربال‌مانند به خنکی هوای داخل سیاه چادر کمک کند و در زمستان منافذ آن بسته شده و از ورود سرما و باران جلوگیری شود.

تقسیم‌بندی فضای داخلی این سکونت‌گاه سنتی به گونه‌ای است که به همه نیازهای یک خانوار با چنان شرایط زیستی حاکم به خوبی پاسخ می‌دهد. در این نوع معماری از فضا به بهترین وجه استفاده شده است و کمترین هدر رفت را شاهد نیستیم. تقسیم‌بندی فضاها و نام‌گذاری آن‌ها ریشه در تجربیات، اعتقادات و باورهای فرهنگی (از آن جمله در نظر گرفتن مسائلی نظیر محرمیت) مردم دارد.

این مطالعه نشان می‌دهد برخلاف ایلات عرب که به نوشته فیلبرگ (1372) به منظور تهیه پوشش سیاه چادر از الیافی که به دور برآوق پیچیده می‌شود استفاده می‌کنند، در ایل کلهر و هم‌چنین به گزارش ایراس (1385) در ایل قشقای از موی سیاه بز به این منظور استفاده می‌شود. این موضوع به استفاده عشایر در نقاط مختلف دنیا از مصالح بوم‌آورد و تطابق با شرایط زیستی حاکم بر می‌گردد، چرا که اساساً الگوی زیست - کوچندگی یک سازگاری انفعالی اکولوژیکی یا پاسخ به محیط خشن و غیر قابل پیش‌بینی زندگی عشایر نیست، بلکه استراتژی کاملاً هدف‌گرایانه مبتنی بر آگاهی، تفکر و تصمیم‌سازی منعطف است، که اجازه بقای طولانی مدت مثلث زیبای پایداری شامل انسان، حیوان و گیاه را برای هزاران سال به آنان داده است.

سیه‌مال این خاصیت را دارد که خود را متعادل نگه دارد به همین دلیل است که زمین‌لرزه و طوفان نمی‌تواند صدمه‌ای به آن بزند. دلیل این امر وجود طناب‌های بلندی است که سبب می‌شوند شیب پوشش چادرها بسیار کم شود و در اختیار باد قرار نگیرد. رسن و قندیل‌های بلند که با زمین زاویه حاده‌ای را می‌سازند، حالت کشش موربی را به وجود می‌آورند، که این کشش نمی‌تواند میخ را از زمین بیرون بکشد.

«سون»‌های 3 تا 3/5 متری که در وسط و در طول سیاه‌چادر قرار می‌گیرند شیب طولی در طرفین چادر ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود هنگام ریزش باران، آب به آسانی از دو طرف سرازیر شود، این امر علاوه بر بسته شدن شبکه‌ها دیگر دلیل راه نیافتن آب باران به داخل سیه‌مال است.

دانش بومی زنان عشایر کلهر در زمینه سیه‌مال، سازه پرتابل عشایر کلهر 55

عشایر ایل هم به منظور بخش‌بندی و هم دکوراسیون داخلی از دیوارهایی پیش‌ساخته موسوم به چیت استفاده می‌کنند. ته په ک‌ها⁶² و ترکه⁶³ های (چیت‌های عشایر ایل) هم کارکردی‌اند و هم زیبایی بصری را به نمایش می‌گذارند و به واقع «دست‌باافته‌ای تجسمی»‌اند. این دست‌آفریده‌های زنان عشایر کلهر ضمن این‌که از ورود گرما، سرما، خاک و باد و سایر حیوانات موذی یا گزنده جلوگیری می‌نمایند. در هنگام سرماهای سخت کوهستان که از دو ردیف چیت استفاده می‌شود خود مانند دیوارهای دو جداره عمل کرده و از هدر رفت انرژی جلوگیری به عمل می‌آورد.

ساخت سیاه‌چادر و تقسیم‌بندی فضای آن یا به‌طور کلی معماری عشایر مبتنی بر تجربه و سازه‌های آن از نوع کششی است که هم طرح و مصالح معماری و هم نحوه به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند در معماری معاصر نیز مورد استفاده قرار گیرد. از این رو معماری سکونت‌گاه‌های عشایر از دو جنبه علمی و هنری می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، که شناخت هنری عرصه‌ای است که خلاقیت سازندگان و جنبه‌های عاطفی و کارکردی هنر آنان را می‌توان مشاهده کرد.

سیاه‌چادر اضافه بر هر خاصیت دیگرش ابهت و شکوهی ویژه دارد. سیاه‌چادر سمبل زندگی مردمانی سخی و به قول مردم این‌جا دوله من⁶⁴ (دولتمند، ثروتمند) است، اما متأسفانه امروزه رفته‌رفته جای خود را به چادرهای برزنتی، به لحاظ سهولت تهیه آن می‌دهند چیزی که بیش و پیش از هر چیز مردمانی آواره و قابل‌ترحم را تداعی می‌کند. همین امر لزوم حفظ و انتقال دانش بومی در این زمینه را به عنوان میراثی فرهنگی و ابتکاری قومی که برخاسته از متن و بطن شرایط اقتصادی، اقلیمی و فرهنگی هر ملت است، نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد نیاز به یک عزم جدی ملی برای نجات فرهنگ‌هایی وجود دارد که هر روز نظاره‌گر از دست دادن بخشی از آن هستیم در این راستا و با توجه به شرایط سخت زندگی کوچندگان و افزایش هزینه‌های تعلیف دستی به دلیل تخریب مراتع و خشکسالی‌های گاه و بی‌گاه، اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای کمک به این مظلوم‌ترین تولیدکنندگان، ایجاد سایت‌های گردشگری در مناطق عشایری، تبلیغات اثربخش و دادن مشوق‌هایی به آژانس‌های گردشگری و ... شاید بتواند به نجات فرهنگ‌های بومی از سکونت‌گاه‌های عشایری تا صنایع دستی و ... کمک کند، چرا که در شرایط فعلی در بسیاری چادرهای عشایری به جای

62. Tapak

63. Tarka

64. Dulaman

دست‌بافته‌های چشم‌نوازی هم‌چون انواع گلیم و نمد و ... این موکت، فیبر و سایر محصولات صنایع‌اند که به چشم می‌خورند و این خطر را فریاد می‌کنند که بخشی از هنر نیاکان خردورز ایل رو به زوال است.

منابع

- افشارزاده، نشمیل و عبدالحمید پاپ‌زن (1387) «مجموعه مقالات سکونت‌گاه‌های عشایری در ایل کرد کلهر»، همایش بین‌المللی سکونت‌گاه‌های سنتی زاگرس، سنندج.
- اداره کل امور عشایری استان کرمانشاه (1378) مطالعات جامع زیست بوم ایل کلهر، فاز 1 و 2.
- امور عشایری (1382) بررسی آماری خانوارهای عشایر شهرستان گیلانغرب.
- (1387) آمار و اطلاعات سرشماری 1387.
- امیراحمدیان، بهرام (1387) «مسکن بختیاری»، فصل‌نامه عشایری ذخائر انقلاب، سال سوم شماره 1 و 2، بهار و تابستان.
- امینی، محمد (1384) عشایر ورامین، نشر واج.
- سایت ایراس (موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز) (1385) ترکمن‌ها، کردها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها، قشقایی‌ها، لرها و پارسی‌ها، «بخش اول».
- پاپ‌زن، عبدالحمید؛ افشارزاده، نشمیل و فاضل‌بیگی، مهدی (1387) «سیه مال»؛ معماری سنتی ایل کرد کلهر، مجموعه مقالات اولین همایش فناوری‌های بومی ایران، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- پاپ‌زن، عبدالحمید؛ افشارزاده، نشمیل (1388) آشنایی با دانش بومی دامداران کوچ رو ایل کلهر، انتشارات دانشگاه رازی.
- (1389) دست‌بافته‌های سنتی ایل کلهر، طرح پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کرمانشاه.
- طیبه، حشمت‌الله (1380) مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، چاپ چهارم ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فیلبرگ، س.ج. (1372) سیاه چادر مسکن کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان جهان در پویه تاریخ، مترجم: اصغر کریمی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- کسیبان، حسین (بهمن 1341) «زندگی قشقایی‌ها»، مجله هنر و مردم، دوره 1، ش 4، صص 18-27.
- Gregory Cowan (2002) Nomadology in Architecture .ephemerality, movement and collaboration.A dissertation submitted to the School of Architecture, Landscape Architecture & Urban Design AT the University of ADELAIDE .
- Jean - Paul Peters (2003) .The Perpetual Picnic - The nomads black tents.jozan magazine. Turkey, 20 June 2003.
- Bedouin site.BEDOUINS ARABIAN EXOTIC THEMED TENT MARQUEE HIRE.